سَيّارَتِنا انْفَجَرَ، وَ لَيسَ لَنا إطارٌ احْتياطيٌّ، وَ لا توجَدُ سَيارَةٌ تَنقُلُنا إلَى الْجامِعَةِ، وَ نَحنُ الْآنَ فِي الطَّريقِ بَعيدونَ عَنِ الْجامِعَةِ، وَ لَنْ نَستَطيعَ الْحُضورَ فِي الامْتِحانِ فِي الْوَقتِ الْمُحَدَّدِ.

ماشین ما تریلیده است، و چرخ یدکی نداریم، و خودرویی که ما را به دانشگاه منتقل کند وجود ندارد و ما اکنون در راه دور از دانشگاه هستیم، و نخواهیم توانست در وقت مشخص شده در امتحان حاضر شویم.

وافَقَ الْأُستاذُ أَنْ يُؤَجِّلَ لَهُمُ الامْتِحانَ لِمُدَّةِ أُسبوعٍ واحِدٍ، فَفَرِحَ الطُّلّابُ بِذٰلِكَ؛ لِأَنَّ خُطَّتَهُم لِتَأجيلِ الامْتِحانِ نَجَحَتْ.

استاد موافقت کرد که امتحان را برای آنها به مدت یک هفته به تأخیر بیندازد پس دانشجویان شما خوشحال شدند از آن؟ زیرا برای به تأخیر انداختن امتحان، موفق شد.

فِي الْأُسبوعِ التّالي حَضَروا لِلامْتِحانِ فِي الْوَقتِ الْمُحَدَّدِ، وَ طَلَبَ الْأُستاذُ مِنهُم أَن يَجْلِسوا في قاعَةِ الامْتِحانِ، ثُمَّ وَزَّعَ عَلَيهِم أَوراقَ الامْتِحانِ.

در هفته آینده در وقت مشخص شده برای امتحان حاضر شدند، و خواست استاد از آنان که بنشینند در سالن امتحان، سپس توزیع کرد میان آنها برگه‌های امتحان را.

